

## کتاب جدید و آیین جدید

احمد صادقی اردستانی\*

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۴/۱۰

### چکیده

درباره حضرت مهدی علیه السلام و ظهور آن حضرت، مسائل و سوال‌های مختلفی مطرح است، که ارزیابی و تحلیل آن‌ها، شخصیت نحوه قیام و تشکیل حکومت عدل جهانی آن بزرگوار را جلوه بیشتری می‌بخشد. از جمله سوال‌ها این است که - که آیا آن حضرت، هنگام ظهور خویش، «کتاب جدید» و «آیین جدید» می‌آورد؟ خوشبختانه، این موضوع، در احادیث مطرح است و به کمک سایر احادیث، معنا و مفهوم و ابعاد آن نیز بیان شده است که در این مقال، به بررسی آن می‌پردازیم. کلید واژه‌ها: کتاب جدید، آیین جدید، انحرافات، بدعت، عدالت، دگرگونی.

### «کتاب جدید» و «امر جدید»

درباره «کتاب جدید» و «امر جدید» روایاتی وارد شده است، که نمونه‌هایی از آن‌ها را مورد دقت قرار می‌دهیم:

۱. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام و

نشانه‌های آن فرمود:

والله لکانی انظر الیه بین الرکن و المقام، یبایع الناس علی کتاب جدید، علی العرب

شدید. ویل لطفة العرب من شرٍ قد اقترب!

به خدا سوگند! مثل این است که به او می‌نگرم که بین «رکن» و «مقام» براساس کتاب جدید، با مردم بیعت می‌کند و این کار بر عرب سخت است. وای به حال طغیانگران عرب، از شر آنچه به زودی، بر آنان وارد می‌شود! (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ص ۱۳۵؛ نیشابوری، بی تا: ج ۴، ص ۲۳۹).

۲. همچنین، امام صادق علیه السلام فرمود:

إذا قام القائم عليه السلام جاء بامر جديد، كما دعا رسول الله صلى الله عليه وآله في بدو الاسلام، الى امر جديد.

آنگاه، که مهدی علیه السلام قیام می‌کند، آیین جدیدی می‌آورد؛ همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز اسلام، به آیین جدیدی دعوت کرد (مفید، ۱۴۱۳: ص ۳۶۴؛ مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۳۸).

۳. امام صادق علیه السلام همچنین، درباره قیام و روش کار حضرت مهدی علیه السلام فرمود:  
يقوم بامر جديد و كتاب جديد، و سنة جديدة، و قضاء جديد على العرب شديد... (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۲۳۱).

آن حضرت «امر جدید» و کتاب جدید و سنت جدید و قضاوت جدید برپا می‌کند که [این کارها] بر عرب، سخت و نگران‌کننده خواهد بود، باید توجه داشت، که «امر» نوعاً به معنای امامت و زعامت و حکومت است؛ چنان که «اولی الامر» (نساء: ۵۹) و «الامر» (آل عمران: ۱۵۹) و «أمرهم شوری بینهم» (شوری: ۳۸) در قرآن کریم، چنین مفهومی را بیان می‌دارد.

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

فلما نهضت بالامر (صبحی صالح، ۱۳۸۷: ص ۴۹، خ ۳) ان أحق الناس بهذا الامر، أقواهم عليه و أعلمه بأمر الله فيه (همان: ص ۲۴۷، خ ۱۷۳).

پس منظور، «امر امامت» است؛ در نتیجه «امر جدیدی» را که حضرت مهدی علیه السلام مطرح می‌کند، آیین جدیدی است که در پرتو «امر امامت و زعامت و حکومت آن حضرت» شکل می‌گیرد.

### چرا دین جدید؟

پیامبر و الامقام صلی الله علیه و آله بر پایه بینش خویش، در هر فرصت مناسب هشدار داده و

اعلام خطر می کرد و با ایراد خطابه در جمع، اعلام می نمود:

ان احسن الحديث كتاب الله، و خير الهدى هدى محمد ﷺ و شر الامور محدثاتها،  
و كل محدثة بدعة، و كل بدعة ضلالة.

به راستی که بهترین سخن، کتاب خدا است و بهترین هدایت، هدایت  
محمد ﷺ است، و بدترین کارها، اعمال و گفتار خود ساخته و بی اساس  
می باشد، و هر پدیده خود ساخته بدعت است، و هر بدعتی هم گمراهی  
خواهد بود (مجلسی، همان: ج ۷، ص ۱۷۲؛ محدث قمی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۵۲).

آری، آن حضرت، برای پدید آمدن بدعت در دین، آن قدر حساس و نگران بود که  
اعلام می کرد:

من أتى ذا بدعة فعظمه، فانما يسعى في هدم الاسلام.

هر کس نزد بدعت گذاری رود و او را تعظیم و احترام کند، به راستی در  
نابودی اسلام کوشیده است (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۵۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹:  
ج ۱۱، ص ۵۱۰).

همچنین، پیامبر اسلام ﷺ که ۲۳ سال، سختی ها و آوارگی های دردناک را در  
روزگار غربت اسلام به جان خریده بود، می فرمود:

ان الاسلام بدأ غريباً، و سيعود غريباً...

به راستی که اسلام، با غربت [و کمی یاران] آغاز شد و به زودی هم به غربت  
باز خواهد گشت.

آن حضرت در پاسخ کسانی که پرسیدند: «غریبان آن روز چه کسانی هستند»،  
فرمود: «آنان که هنگام فساد و تباهی ها، در مقام اصلاح بر می آیند» (مجلسی،  
همان: ج ۵۲، ص ۳۳۶ و ۷؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۳۹).

امیرالمؤمنین علیؑ پس از حمد خداوند متعال و تجلیل و تمجید از پیامبر  
اکرم ﷺ با نگرانی فراوانی درباره انحرافات و بدعت های روزگار حاکمان بنی امیه  
و طبقات مختلف اجتماعی می فرماید:

مردم آن زمان، چون گرگان، قدرتمداران درندگان، طبقه متوسط طعمه ها،  
فقیران و تهی دستان مردگانند. راستی و درستی از میان رفته و دروغ شایع

می‌شود. دوستی و محبت، زبانی است و دشمنی‌ها در دل‌ها کمین کرده، فسق و فجور موجب نسب [شخصیت] و عفت و پاکدامنی [کم یاب و] سبب شگفتی می‌شود (صبحی صالح، همان: ص ۱۵۴، خ ۱۰۶).

و:

اسلام، مثل پوستین وارونه که به تن پوشیده گردد [خشن و زشت می‌شود]. (صبحی صالح، همان: ص ۱۵۸، خ ۱۰۸).

آری؛ به نظر امام علی علیه السلام کژی‌ها و انحرافات در مظاهر دین که بنی امیه پایه گذار آن‌ها بودند - چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز پیش بینی کرده بود (مجلسی، همان: ج ۲، ص ۱۰۹) چنان فزونی می‌یابد که با نگرانی اعلام می‌دارد:

یأتی علی الناس زمان، لایبقی فیہ من القرآن الا رسمه، و من الاسلام الا اسمہ، و مساجدهم یومئذ عامرة من البناء، خراب من الہدی...؛  
 روزگاری بر مردم فرا می‌رسد که از قرآن، جز نشانه [نوشته ای] و از اسلام، جز نامی [گفتاری] چیزی به جای نمی‌ماند. مسجدهای آنان در آن روزگار، از لحاظ ساختمان؛ عمران و رونق دارد؛ ولی از نظر هدایت و سازندگی خراب و ناکار آمد است (صبحی صالح، همان: ص ۵۴۰، ح ۳۶۹).

با توجه به این جهات، هنگامی که امام مهدی علیه السلام برای نوسازی و بازسازی عقاید و رفتار مردم، براساس احکام ناب و خالص قران کریم و برقراری «عدالت واقعی و همه جانبه و فراگیر» ظهور می‌کند، مردم اسلامی را مشاهده می‌کنند که با آنچه تا آن زمان شنیده و دیده‌اند، بسیار متفاوت است و «آیین جدید» و اسلام ناب تلقی می‌شود؛ در صورتی که این گونه نیست که آن حضرت اسلامی جدید را بیاورد؛ زیرا آن امام بزرگوار، استمرار بخش و احیاگر آیین پیامبر صلی الله علیه و آله است و شیوه دعوت و عملکرد او در احادیث آمده است.

### ویژگی‌های آیین جدید

آیین جدید - همانطور که خواندیم - همان آیین اسلام است که براساس قران کریم و سنت نورانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دعوت و سیره استوار آن حضرت صورت

می‌گیرد. در این باره، روایات متعددی وارد شده است که نمونه‌هایی از آن‌ها را ملاحظه می‌کنیم:

۱. پیامبر اسلام ﷺ فرموده است:

قائم، از فرزندان من است. نام او نام من، کنیه او کنیه من، قیافه او قیافه من، و روش او روش من است. او مردم را به پیروی از آیین من استوار می‌سازد. هر کس از او اطاعت کند، از من اطاعت کرده و هر کس او را نافرمانی کند، از من نافرمانی کرده است (حر عاملی، بی تا: ج ۳، ص ۴۸۲، ح ۱۹۰).

۲. محمد بن مسلم می‌گوید: درباره سیره و روش قیام حضرت قائم علیه السلام از امام باقر علیه السلام پرسیدم. آن حضرت فرمود:

«بسیرة ما سار به رسول الله ﷺ حتى يظهر الاسلام». قلت: «و ما کانت سیره رسول الله ﷺ؟»

قال علیه السلام: «أبطل ما کانت فی الجاهلیه، و استقبل الناس بالعدل، و كذلك القائم علیه السلام اذا قام یبطل ما کان فی الهدنة مما کان فی أیدی الناس، و یتقبل بهم بالعدل». «به همان روشی، که رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل نمود، رفتار می‌کند؛ تا این که اسلام پیروز شود». گفتم: «روش رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونه بود؟».

فرمود: «آنچه در روزگار جاهلیت وجود داشت، باطل کرد و مردم را به عدل فراخواند. همچنین، وقتی حضرت قائم علیه السلام قیام کند، آنچه در روزگار صلح میان مردم رایج شده، باطل می‌کند و آنان را به عدل فرا می‌خواند» (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۸۱؛ طوسی، ۱۳۹۰: ج ۶، ص ۱۶۹).

۳. ابو بصیر می‌گوید: مردی به حضور امام باقر علیه السلام وارد شد و امتیازات اهل بیت علیهم السلام را بیان کرد و راه هدایت آنان را ستود. امام علیه السلام نیز سخنان او را تأیید کرد و ادامه داد: این راه مستقیم ما ادامه دارد، تا این که خداوند متعال، مردی از ما اهل بیت مبعوث نماید که به کتاب خدا عمل کند و منکر [و خلافتی] را نمی‌بیند، مگر این که، آن را محو و نابود می‌کند (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۷۸).

۴. پیامبر اسلام ﷺ درباره تجدید حیات اسلام، به وسیله حضرت مهدی ﷺ

می فرماید:

و ان التانی عشر من ولدی، یغیب حتی لا یرى، و یأتى على امتی زمن لا یبقی من الاسلام الا اسمُهُ، و لا من القران الا رسمُهُ، فحینئذ یأذن الله تعالی بالخروج فیظهر الاسلام، و یجدد الدین...

دوازدهمین نفر از فرزندان من، از نظرها غایب می گردد؛ تا این که دیده نمی شود. زمانی بر امت من فرا خواهد رسید، که از اسلام جز نامی، و از قرآن جز نقش و نوشته ای باقی نمی ماند. آن هنگام، خداوند متعال به او اذن قیام می دهد و اسلام را پیروز می گرداند و تجدید حیات می بخشد (قندوزی حنفی، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۲۸۳؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۱۶۹، ح ۲۴۲).

گرایش های قومی، ناآگاهی ها، هواهای نفسانی، دسیسه های مخالفان و بالاخره شرایط سخت سیاسی و اجتماعی، ممکن است بر آبشخور زلال دین، غبارها و خس هایی وارد کند و در رفتار گروه هایی، چهره زیبا و درخشان دین، به صورت نامناسب و وارونه جلوه کند؛ به طوری که وقتی حضرت مهدی ﷺ آن را عرضه کند، آیین جدیدی تلقی شود، اما به هر حال، امام مهدی ﷺ آیینی را که با غبار شویی و تحریف زدایی عرضه می دارد، همان آیین پیامبر ﷺ است. روایات زیر در این باره، حقیقت را بهتر روشن می گرداند:

۱. رسول خدا ﷺ فرمود:

و منهم مهدی هذه الامة، الذی یقوم بالدين فی آخر الزمان، كما قمت فی اوله. از فرزندان من، مهدی این امت است که براساس معارف دین قیام می کند، همانطور که من، در آغاز آن قیام کردم (مجلسی، همان: ج ۳۶، ص ۲۳۱؛ صافی گلپایگانی، همان: ص ۱۵۲، ح ۲۲۱).

۲. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که درباره روش آن حضرت فرمود:

یصنع ما صنع رسول الله ﷺ یهدم ما کان قبله، كما هدم رسول الله ﷺ امر الجاهلیة، و یستأنف الاسلام جدیداً.

آن حضرت، همان گونه رفتار می کند که رسول خدا ﷺ رفتار کرد، وی افکار و اعمال ناصحیح قبل از قیام خویش را ویران می سازد، همان طور که رسول

خدا ﷺ امر جاهلیت را نابود کرد و بالاخره حضرت مهدی ﷺ آیین اسلام را بازسازی و نوسازی می‌کند (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۵۳، ح ۱۰۸).

۳. امام علی علیه السلام درباره سیره و شیوه تحول آفرین حضرت مهدی موعود علیه السلام می‌فرماید:

يعطف الهوى على الهدى، اذا عطفوا الهدى على الهوى، و يعطف الراى على القرآن، اذا عطفوا القرآن على الراى.

امام مهدی علیه السلام آن گاه که قیام کند، هواهای نفسانی را به هدایت و راه صحیح بر می‌گرداند؛ در حالی که مردم هدایت و درستی را به هوس‌ها و هواهای نفسانی تبدیل کرده باشند. نیز رای‌ها و افکار را به قرآن بر می‌گرداند، آن گاه که افراد، قرآن را به رأی و تأویل تبدیل نموده باشند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۹، ص ۴۰، خ ۱۳۸).

۴. و بالاخره، امام باقر علیه السلام فرمود:

اذا قام قائم آل محمد علیه السلام ضرب فساطيط، و يُعلم الناس القرآن، على ما أنزل الله عزوجل...

آنگاه، که قائم آل محمد قیام کند، چادرهایی را برپا می‌کند، و قرآن را همان طور که خداوند متعال نازل کرده است [بدون تأویل و تفسیرهای ناروا] آموزش می‌دهد (مفید، همان: ص ۳۶۵).

### عدالت، امتیاز ویژه

بارزترین، امیدوارترین و آرمانی‌ترین ویژگی حضرت مهدی علیه السلام که همگان چشم به آن دوخته‌اند و این معنا در روایات متعددی نیز وارد شده، «اجرای عدالت» است. برای تبیین این ویژگی مهم و آرمان بزرگ، ناچار باید موضوعات زیر مورد توجه قرار دهیم:

۱. شعار «عدالت» روزی نیست که بر زبان‌ها جاری نشود و مطبوعات و گویندگان، آن را مطرح نکنند و خواستار دست یابی بدان نباشند.  
عدالت، به ویژه در مکاتب کمونیستی و سوسیالیستی شرق مطرح شده و

آنان، بیش از هشتاد سال است که برای آن شعار می‌دهند.<sup>۱</sup>  
در بلوک غرب و مکاتب سرمایه داری آن، این عنوان، سالیان زیادی است  
فضا را پر کرده و حتی در نظام‌های سرمایه داری، در عین فاصله زیاد طبقاتی  
«هر کسی از ظن خود»، برای عدالت، مفهوم و منظوری را در نظر گرفته  
است (شیرازی، ۱۳۷۹: صص ۲۳-۱۹).

قبل از این‌ها نیز، در مذاهبی چون هندوئیسم، بودیسم تحت عناوین عدالت  
و بربری، این معنا را مورد توجه قرار داده‌اند.<sup>۲</sup>

۲. پیامبر اسلام ﷺ در تفسیر آیه ششم سوره الرحمن، فرموده است:  
بالعدل قامت السموات و الارض (فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۳۶۸؛ کاشانی،  
۱۳۴۷: ج ۹، ص ۱۱۸).

براساس عدل [نظام و قوام و جریان حرکت] آسمان‌ها و زمین برقرار است.  
هر یک از عناصر عالم وجود، به واسطه عدل، از حد خود تجاوز نمی‌کنند و در  
جایگاه خویش به انجام وظیفه اشتغال دارند. جا به جایی و تجاوز هر یک، از «حد»  
و «مرز» و مدار خود، موجب بی‌نظمی در منظومه شمسی و نظام خلقت و اختلال  
در معیارهای حیات اجتماعی انسان‌ها می‌گردد (نوری همدانی، بی‌تا: ص ۴۹).  
امام علی علیه السلام هم، با این بیان، موضوع عدل و جایگاه آن در نظام هستی را مورد  
توجه قرار داده است:

العدل اساسُ به قوامِ العالم.

یعنی عدل، اساس و بنیادی است که به وسیله آن، قوام و نظام عالم برقرار  
شود (مجلسی، همان: ج ۷۵، ص ۸۳).

۳. در تبیین واژه «عدالت» از لحاظ روانی و فردی، شیخ انصاری رحمته الله علیه می‌نویسد:  
عدالت، کیفیتی نفسانی است که موجب می‌شود انسان، ملازم و همراه تقوا

۱. ر.ک: الگانا تانونا، کروتنووا، اخلاق و انسان، ترجمه: پرویز شهریاری.

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: اخلاق در تئوس دین جهان، ترجمه: محمدحسین وقار، ص ۱۲۰، ص ۱۹۴، ۳۱۶ و ۳۸۶.



باشد [و هرگز مرتکب گناه و نافرمانی خدا نشود]. اگرچه از آن با لفظ‌های: حالت، هیأت، کیفیت یا ملکه رسوخ یافته در نفس نیز تعبیر شده است (انصاری، ۱۴۱۴: ص ۶).

همچنین، درباره معنای این واژه از لحاظ دینی؛ گفته شده است: عدالت در دین، عبارت است از اجتناب مطلق از گناهان کبیره و عدم اصرار بر گناهان صغیره (همان).

از نظر اجتماعی، کامل‌ترین و جامع‌ترین معنای عدالت، بیانی است که از امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است. آن حضرت در پاسخ به این پرسش که «آیا عدل برتر است یا جود؟» ضمن برتر دانستن عدل، دلیل آن را این‌گونه بیان می‌کند: العدل یضع الامور مواضعها....

عدل، هر چیز را جای خود قرار می‌دهد (صبحی صالح، همان: ص ۵۵۳، ح ۴۳۷).

براساس این بیان نورانی چنان که لغت شناسان نیز گفته اند: شخص عادل کسی است، که هر حقی را به صاحبش می‌رساند (طریحی، بی تا: ص ۴۴۴).  
- در قلمرو قدرت او، کار حقی به نالایقی واگذار نمی‌شود و به هیچ نالایقی حقی افزون بر توانایی او داده نمی‌شود و هر حق دهنده و حق گیرنده ای هم، با عنایت به رعایت «مفهوم وجدانی عدل» نه حقی را به نالایقی پرداخت می‌کند و نه هیچ نالایقی، به ناحق، حقی را می‌پذیرد. بالاخره، جامعه عدل، جامعه ای است که همگان در مقابل تلاش و نیاز خویش، به حق خود می‌رسند و هیچ صاحب حقی در ازای کار و متناسب با نیاز خویش، از حق خود محروم نمی‌ماند.

۴. گاهی در برخی برداشت‌ها، میان «مساوات» و «عدالت» تداخل واقع می‌شود و ممکن است از این دو عنوان، معنای یکسانی تلقی گردد؛ در صورتی که باید توجه داشت مساوات، معنای محدودتری دارد و سرمایه کم تری می‌برد. قهراً

زیان عدم رعایت آن هم متوجه خود شخص می‌شود یا اگر متوجه شخص دیگری گردد، آن زیان، شعاع وسیعی نخواهد داشت.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

من استوی یوماه، فهو مغبون...؛ هر کس دو روز او با هم مساوی باشد [و هر روز برای پیشرفت مادی و معنوی خویش قدمی به جلو نگذارد] زیان دیده است (محدث قمی، همان: ج ۴، ص ۸۹۳).

در روایتی می‌خوانیم: در حضور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مردی که دو فرزند خود را همراه داشت، فقط یکی از آنان را بوسید. آن حضرت فرمود: «فهلأ ساویتَ بینهما؟» «چرا میان آن دو، مساوات را رعایت نکردی؟» (طبرسی، ۱۳۹۲: ص ۲۲۰؛ صدوق، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۳۱۱).

بنابراین، در اجرای مساوات درباره کس یا کسانی که عمل نیکی صورت می‌گیرد، لیاقت و عدم لیاقت و صاحب حق بودن مطرح نیست. در مساوات، از سوی شخص نیکوکار، عمل نیکی صورت می‌گیرد و نوعاً به مقدار ظرفیت و نیاز افراد توجهی نمی‌شود، بلکه نفس عمل دارای ارزش و نتیجه مثبت می‌باشد؛ اما در «اجرای عدالت» حق و نیاز باید در نظر گرفته شود و تجاوز از حد لازم - همان طور که تجربه و عقل سلیم حکم می‌کند - انحراف و انفجار در پی خواهد داشت. برای این که تفاوت عدالت و مساوات روشن‌تر شود و بهتر توجه داشته باشیم که عدالت به معنای مساوات مطلق نیست، بلکه در اجرای عدالت، قابلیت و استحقاق شرط می‌باشد، به دو مثالی، که در این باره آورده‌اند، توجه کنیم:

الف. اگر کسی بخواهد خانه‌ای بسازد و برای این کار، مهندس، بنا و کارگر بگیرد، اگر بخواهد مزد هر سه را به طور مساوی پرداخت کند، آیا به عدالت رفتار کرده است، معلوم است که باید حقوق هر یک با توجه به مراتب دانش و کارآیی تفاوت داشته باشد، تا عدالت تحقق یابد که در این صورت، مساوات رعایت نشده است.

ب. اگر کسی یک کیبوتر و یک اسب داشته باشد و خوراک هر یک را یک اندازه

قرار دهد، در این صورت، مساوات را رعایت نموده؛ ولی برخلاف عدالت رفتار کرده است؛ زیرا اگر کبوتر بتواند آن اندازه بخورد، از پرخوری می‌میرد؛ ولی اسب با خوردن آن خوراک، از گرسنگی هلاک می‌شود.

بنابراین، در این مثال «مساوات» رعایت شده، که نتیجه منفی و ظالمانه خواهد داشت، در حالی که عدالت اقتضای کند که خوراک آن دو طبق نیاز هر یک در نظر گرفته شود (شیرازی، ۱۳۵۴: ص ۶۵).

۵. با توجه به توضیحات فوق در ماده عدالت، مناسب است بیان زیبای امام علی علیه السلام را در معرفی «شخص عادل» مورد توجه دقیق قرار دهیم:  
مَنْ طَابِقَ سِرَّهُ عِلَانِيَتَهُ، وَ وَاَفَقَّ فَعَلُهُ مَقَالَتَهُ، فَهُوَ الَّذِي اَدَى الْاِمَانَةَ وَ تَحَقَّقَتْ عِدَالَتُهُ.

هر کس باطن او با ظاهرش تطبیق داشته باشد، و رفتار او با گفتارش هماهنگ باشد، او کسی است که امانت را ادا کرده و عدالت او تحقق یافته است (آمدی، ۱۳۸۲: ص ۷۴۸، ح ۹۳۲۳).

۶. رعایت عدالت، به منظور توسعه و گسترش این ارزش متعالی اسلامی، به قدری ضروری است که باید در جزئی ترین امور اخلاقی و اجتماعی برای حفظ حقوق افراد، مورد توجه جدی قرار گیرد، در سیره عملی رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم: یک مرد انصاری برای پرسش سوالی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید. چند لحظه بعد هم یک مرد از «قبیله ثقیف» برای ملاقات با آن حضرت وارد شد و خواست موضوع کار خود را در میان بگذارد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: يا اخاتقيف! ان الانصاري قد سبقك بالمسألة، فاجلس كيما نبدئ بحاجة الانصاري، قبل حاجتك.

ای برادر ثقفی! این مرد انصاری پیش‌تر از تو برای ملاقات و سوال آمده است. اکنون اندکی بنشین تا نخست به کار او رسیدگی کنم و آن‌گاه که نوبت تو رسید، پاسخ گوی خواسته تو باشم (مجلسی، همان: ج ۲، ص ۶۴).

۷. همان‌طور که اشاره کردیم، افراد و گروه‌های مختلفی در طول تاریخ تاکنون، «شعار عدالت» سر داده‌اند و حتی برخی در حوزه دین برای اجرای آن،

اقدامات عملی صورت داده و ضمن ادعای بزرگ طلایه داری و اصلاحگری جامعه بشری براساس عدالت، گاهی به مظاهری از عدالت نیز دست یافته‌اند، اما این ادعاها و اقدامات صوری و تک بعدی که گروه‌ها، اصناف و اقوام مختلف ادعا یا اجرا کرده‌اند، عدالت واقعی و مورد نظر خداوند نبوده است. گویا خداوند خواسته است بدین وسیله هر کس ادعایی دارد، به «میدان آزمون» وارد شود؛ تا استعدادها شکوفا گردد، زمینه‌ها فراهم شود و بستر لازم برای «عدل گستر» واقعی فراهم شود و با توجه به همه این جهات، «حجت بر همگان تمام شود». در نتیجه برای ظهور و قیام «صاحب امر» همگان با رها کردن همه اوهام و خیال‌ها و حتی معیارهای ناقص، بلکه با تن دادن به قوانین و سنن الهی، همه توان خویش را برای زمینه سازی، استقبال و پذیرش «عدالت گستر حقیقی» به کار گیرند.

امام صادق علیه السلام درباره یکی از شرایط ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

لا یكونُ هذا الامرُ حتّی لا یبقی صنفٌ من الناس الا ولّوا علی الناس، حتّی لا یقول قائلٌ: لو ولّینا لعدلنا، ثم یقوم القائم بالحق و العدل.

این قیام واقع نخواهد شد، تا این که هیچ صنفی [و گروهی] از مردم باقی نماند، مگر این که عهده دار ولایت و پیشوایی [برای اجرای عدل و اصلاح جامعه] گردد؛ تا آن که کسی نتواند بگوید: «اگر ما قدرت ولایت و زعامت جامعه را عهده‌دار می‌شدیم، حتما عدالت را اجرا می‌کردیم». پس از این مراحل است که حضرت قائم برای اقامه و اجرای حق و عدالت، قیام می‌کند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۵۳؛ مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۲۴۴).

۸. عدالتی که در پرتو قیام و انقلاب حضرت مهدی علیه السلام تحقق می‌یابد، چنان عمیق و فراگیر است که سراسر کره زمین و همه ابعاد زندگی انسان‌ها را غرق آرامش و صفای همه جانبه می‌کند.

در روایتی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با الفاظ و عبارات متعدد و طرق مختلف، درباره حتمیت قیام و خصوصیات آن وارد شده است می‌خوانیم:

لو لم یبق من الدنّیا الا یومٌ، لطول الله ذلک الیوم، حتّی یبعث فیهِ رجلاً منّی [من اهل بیتی، اسمُه اسمی] یملاً الارضَ قسطاً و عدلاً كما ملّئت ظلماً و جوراً.

اگر جز یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد، خداوند، آن روز را آن قدر طولانی می‌کند، تا در آن، مردی از اهل بیت من [که هم نام من است] مبعوث شود [قیام کند] سراسر زمین را از عدالت لبریز سازد، همان طور که از ظلم و تجاوزگری انباشته شده است (مجلسی، همان: ج ۵۱، ص ۱۵۶؛ قندوزی حنفی، همان: ج ۳، ص ۲۹۶، ح ۶).

واژه‌های کلیدی این حدیث، دو عنوان بسیار عمیق و قابل تأمل است:

۱. ارض، یعنی سراسر کره زمین و نه یک شهر و کشور و قاره.
  ۲. انباشته شدن سراسر زمین از عدل، با واژه «یملا» که به معنای پر شدن ظرف از آب و سرازیر شدن آن از اطراف ظرف است. این دو واژه، فراگیری عدالت ناب و عمیق آن حضرت را بیان می‌کند.
- اکنون، برای این که گستردگی و فراگیری آن عدالت را با مصادیق عینی‌تر در قلمرو اخلاق و حقوق اجتماعی مطرح کرده باشیم، دو حدیث زیرا را مورد توجه قرار می‌دهیم:

الف. فضیل بن یسار می‌گوید، از امام باقر علیه السلام شنیدم، که می‌فرمود:

وقتی قائم ما قیام کند، از ناحیه اشخاص نادان، با مشکلات و سختی‌های فراوانی مواجه خواهد شد که از مشکلات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در برخورد با مردم روزگار جاهلیت شدیدتر خواهد بود. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث شد، مردم سنگ‌ها و چوب‌هایی را که با دست خود تراشیده بودند، می‌پرستیدند. اما قائم ما، وقتی قیام کند، مردم احکام دین خدا را بر ضد او تأویل و تفسیر می‌کنند و به وسیله قرآن، با آن حضرت، احتجاج و بحث‌های عصبانگراانه می‌نمایند... ولی به خدا سوگند! [قائم ما پیروز می‌شود و] عدالت او چنان فراگیر و گسترده می‌گردد که هم چون حرارت گرما و پرودت سرما، در داخل خانه‌ها هم نفوذ خواهد کرد (حر عاملی، بی تا: ج ۳، ص ۷۳۸، ح ۱۱۱).

ب. درباره روابط و مناسبات اخلاقی و انسانی که نشأت گرفته از روح ایمان و

عدالت واقعی در حکومت الهی حضرت مهدی علیه السلام است، برید عجلی می‌گوید:

در حضور امام باقر علیه السلام بودم که مردی از اهل کوفه خطاب به آن حضرت عرض

کرد: «ای مولای من! یاران ما در کوفه جمعیت فراوانی را تشکیل می‌دهند که مطیع و تابع شما هستند. اگر به آنها دستور بدهی، امی توان بر ضد دشمن قیام کرد و پیروز شد!» آن حضرت فرمود: «آیا آنان به این مرحله از ایمان و اعتقاد رسیده‌اند که اگر کسی نیاز مادی داشت، سراغ جیب برادر مومن خویش برود و آنچه احتیاج داشت، بردارد؟»

آن مرد جواب داد: «نه، آنان جان خویش را بیش از این دوست می‌دارند...».

آن گاه امام باقر علیه السلام فرمود:

آن گاه که قائم ما قیام کند، روزگار برادری و صداقت و رفاقت فرا می‌رسد [به گونه‌ای صفا و صمیمت و یکرنگی به وجود می‌آید] که مرد با اعتماد و خاطر جمع به سراغ جیب برادر دینی خویش می‌رود، فقط آنچه احتیاج دارد بر می‌دارد و کسی مانع او نمی‌شود (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۷۲ و ج ۷۱، ص ۲۳۲ و ج ۷۵، ص ۱۸۵).

به هر حال، عدالت گستری در حکومت حضرت مهدی علیه السلام بحثی دامنه دار و گسترده است. به منظور آشنایی بیشتر، مناسب است آخرین بحث این مقال را پی بگیریم که درباره نکات دیگر است که به بیان پیامبر صلی الله علیه و آله سبب می‌شود از نظر مردم، آنچه امام غایب می‌آورد، آیین جدید تلقی می‌شود.

### دگرگونی همه جانبه

امام مهدی علیه السلام که برای برقراری عدالت همه جانبه و فراگیر، در همه ابعاد زندگی اجتماعی ظهور می‌کند، تغییرات و تحولات زیادی در ساختار جامعه به وجود می‌آورد که از طرفی ممکن است برخی از آنها اکنون برای بعضی مورد تأمل باشد و از سوی دیگر ممکن است آن را آیین جدید تلقی کنند؛ اما به هر حال، همه آن‌ها آیین پیامبر صلی الله علیه و آله است و آن حضرت با انحراف‌زدایی در عقاید و اعمال مردم آن را عملی گرداند. برخی از این موارد از این قرارند:

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

أول ما يظهر القائم من العدل، ان يُنادى مناديه: ان يُسلم صاحب النافلة لصاحب الفريضة، الحجر الاسود، و الطواف بالبيت.

اول چیزی را، که قائم از عدل خود نمایان می‌سازد آن است که سخن گوی او اعلام می‌کند «کسانی که طواف مستحبی انجام می‌دهند و استلام «حجرالاسود» می‌کنند، جای خود را به افرادی واگذار نمایند که طواف واجب دارند (کلینی، همان: ج ۴، ص ۴۲۷؛ صدوق، همان: ج ۲، ص ۳۱۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۹، ص ۴۱۲).

۲. امام باقر علیه السلام ضمن حدیث مفصلی که روش اصلاحی و انقلابی حضرت مهدی علیه السلام را بیان می‌کند، می‌فرماید:

آنگاه که قائم ما ظهور کند، به کوفه می‌آید و مسجدهای چهارگانه آن جا را خراب می‌کند. آن حضرت، راه‌های بزرگ [ و اصلی] را توسعه می‌دهد؛ تا ۴۰ ذراع (حدود ۳۰ متر) شود. او هر مسجد را که در مسیر راه قرار گرفته است خراب می‌کند، و هر حفرة ای و سوراخی که به راه باز است، می‌بندد و هر بیرون آمدگی [بالکنی] را که از ساختمان‌ها به کوچه تجاوز کرده است ویران می‌سازد، و چاله کثافات خانه‌ها و نادوان‌هایی را که بر کوچه و راه مردم اشراف دارد، برطرف می‌کند. و او هیچ بدعتی را باقی نمی‌گذارد و زایل می‌کند، و هیچ سنتی باقی نمی‌ماند، مگر این که آن را احیا و استوار کند (مفید، همان: ص ۳۶۵؛ شیخ طوسی، همان: ص ۲۸۳؛ مجلسی، همان: ج ۵۱، ص ۳۳۳).

۳. حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود:

إذا قام قائمنا، قال: يا معشر الفُرسان! سيروا في وسط الطريق، يا معشر الرّجاله! سيروا على جنبى الطريق، فأيما فارسٍ اخذ على جنبى الطريق، فأصاب رجلاً عيباً ألزماه الدية، و أيما رجلٍ اخذ في وسط الطريق، فإصابه عيبٌ، فلا دية له.

آن گاه، که قائم ما ظهور کند، دستور می‌دهد: «ای گروه سواران! از وسط حرکت کنید، و ای گروه پیادگان! از کنار و دو طرف راه حرکت کنید، زیرا هر سواری از کنار راه حرکت کند، و به پیاده ای آسیب رساند، او را به پرداخت «دیه» محکوم می‌کنیم، و هر پیاده ای که از وسط راه حرکت کند و به او

آسیبی وارد شود، «دیه او» بر عهده کسی نیست؛ چون به سبب تخلف خویش، جان خود را در خطر و زیان دیدگی قرار داده است (شیخ طوسی، همان: ج ۱۰، ص ۳۶۸؛ حر عاملی، بی تا: ج ۳، ص ۸۱).

### نتیجه

از آنچه در بالا مطالعه کردیم، به دست می‌آوریم که هم «کتاب جدید» و هم «آیین جدید» طبق روایات، موضوع صحیحی است و نیز با استمداد از روایات معتبر روشن شد که «کتاب جدید» و «آیین جدید» جز قرآن کریم و اسلام و معارف ناب آن، چیز دیگری نیست؛ ولی متأسفانه در طول زمان و به حسب شرایط نامساعد، آن قدر افکار و سلایق و رفتار و رسوم مغایر با معارف ناب اسلامی، از سوی ناآگاهان و غرض ورزان بر آن‌ها افزوده می‌شود که وقتی آگاهان و مؤمنان راستین نیز آن معارف نورانی و درخشان را مشاهده می‌کنند، آن را «کتاب جدید» و «آیین جدید» تلقی می‌نمایند.





## منابع و مأخذ

۱. ابن بی‌الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، کلمات قصار امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، مؤسسه انتشاراتی امام عصر علیه السلام، ۱۳۸۲ش.
۳. انصاری، شیخ مرتضی، الرسائل الفقهیه، المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئوية الثانية، لمیلاد الشیخ الانصاری (ره)، اعداد: لجنة تحقیق تراث الشیخ الاعظم، ۱۴۱۴ق.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، تهران، مکتبه الاسلامیه، چ ۲، ۱۳۸۳ش.
۶. شیرازی، سید حسن، الوعي الاسلامی، نجف، مکتبه الغری الحدیثه، ۱۳۷۹ش.
۷. شیرازی، سیدصادق، طرح‌هایی از اقتصاد اسلامی، ترجمه احمد صادقی اردستانی، قم، انتشارات قرآن، ۱۳۵۴ش.
۸. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، مکتبه المؤلّف، ۱۴۲۲ق.
۹. صبحی صالح، نهج البلاغه، بیروت، ۱۳۸۷ش.
۱۰. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، چ ۲، ۱۴۰۴ق.
۱۱. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۲ق.
۱۲. طریحی، محمد بن علی، مجمع البحرین، تهران، الثقافة الاسلامیه، بی تا.
۱۳. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الغیبه، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۴۱۷ق.
۱۵. عکبری، محمد بن نعمان (مفید)، ارشاد، قم، منشورات مکتبه بصیرتی، بی تا.
۱۶. فیض کاشانی، محسن، تفسیر صافی، تهران، مکتبه الصدر، چ ۲، ۱۴۱۶ق.
۱۷. قندوزی حنفی، سلیمان، بنایع الموده، تهران، دارالاسوة للطباعة و النشر، ۱۴۲۲ق.
۱۸. کاشانی، ملافتح الله، منهج الصادقین، تصحیح حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیّه، چاپ ۴، ۱۳۴۷ش.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۵، ۱۳۶۳ش.
۲۰. الگاتا تانونا، کروتووا، اخلاق و انسان، ترجمه پرویز شهریاری، تهران، انتشارات فردوسی، چ ۲، ۱۳۶۰ش.
۲۱. متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۳. محدث قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی علیه السلام، ۱۴۱۶ق.



۲۴. نعمانی، محمد، غیبت، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.
۲۵. نوری همدانی، حسین، دانش عصر فضا، انتشارات جهان، تهران، بی تا.
۲۶. نیشابوری، محمدبن عبدا...، مستدرک حاکم، بی جا، بی تا.
۲۷. ورنمنسکی، پگی مورگان، النور نسبیت، کلایولاتون، ترور شاتون، معشوق ابن علی، اخلاق در تفسیر دین جهان، ترجمه محمدحسین وقار، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸ش.

